

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۲

هدف نظام ولایت فقیه این است که با توسعه برنامه اتمی در زمینه سلاح اتمی و انرژی اتمی وارد باشگاه اتمی شده و بدین ترتیب پایه های حکومت استبدادی و مذهبی خود را که از جانب مردم ایران مورد تهدید جدی قرار گرفته، تقویت کند.

روز ۲۴ خرداد ۸۳، خبرگزاری آسوشیتدپرس طی گزارشی از قول وزیر امور خارجه رژیم ایران اعلام کرد که: «ایران توانمندی فنی هسته‌یی بالایی دارد. جامعه بین‌المللی، ایران را به عنوان عضو باشگاه کشورهای اتمی به رسمیت بشناسد.»

روزنامه جمهوری اسلامی در ۲۶ خرداد ۸۳ نوشت: «حجت الاسلام والمسلمین قربانعلی دری نجف آبادی، وزیر سابق اطلاعات و رئیس دیوان عدالت اداری در گفتگو با خبرنگار ما، با تأکید بر حق مسلم ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی، گفت: آمریکا و اروپا چه بخواهند و چه نخواهند، باید بپذیرند که جمهوری اسلامی ایران در باشگاه هسته‌یی جهان قرار گرفته است.»

بدین ترتیب و بنا به اعتراف گردانندگان رژیم، تولید اورانیوم در دستور کار رژیم ایران است که بخشی از آن به طور علنی برای انرژی اتمی و بخشی از آن به طور مخفی برای ساخت سلاح اتمی و ورود به باشگاه کشورهای اتمی می باشد.

واقعیت این است که بر اساس بررسیهای کارشناسی بسیاری از متخصصان ایرانی و غیر ایرانی، استفاده از انرژی اتمی به هیچوجه مزیت اقتصادی برای ایران ندارد و صرف میلیاردها دلار که تاکنون از جیب مردم ایران پرداخته شده در صورتی که به ایجاد یک نیروگاه اتمی بیانجامد، زیانهای زیادی در زمینه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی برای مردم ایران خواهد داشت.

این که رژیم ایران حاضر نیست به طور شفاف پیرامون هزینه

های انجام شده در نیروگاه اتمی بوشهر با مردم ایران برخورد کند، بیانگر آن است که صرف میلیاردها دلار برای ساخت یک نیروگاه هزار مگا وات، پوششی برای پروژه سلاح اتمی است. در سال ۱۳۷۰ که آلمانیها از

پروژه ساخت نیروگاه بوشهر کناره گیری کردند، رضا امراللهی، رییس وقت سازمان انرژی اتمی در مورد هزینه های صرف شده برای این نیروگاه تا آن زمان گفت: «علی رغم این که سازمان انرژی اتمی در کشور قبل از انقلاب اسلامی حدود ۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری کرده بود، اما از این مبلغ کمتر از ۵۰ میلیون دلار برای پژوهش و تحقیق اختصاص یافته بود.» (کیهان، ۷ خرداد ۱۳۷۰) همین روزنامه در شماره روز بعد خود نوشت: «خساراتی که بابت عدم تکمیل این نیروگاه توسط پیمانکار آلمانی به ایران وارد شده، تا کنون بیش از ۱۰ میلیارد دلار است.» با توجه به این که از سال ۱۳۷۰ تاکنون نیز دهها میلیارد دلار برای آن چه که رژیم آن را فناوری اتمی و نیروگاه اتمی می نامد هزینه شده، می توان به این نتیجه رسید که صرف میلیاردها دلار نه برای ساخت یک نیروگاه که در جهت اهداف دیگری بوده و در حقیقت منابع ملی ایران به نام انرژی اتمی به کام سلاح اتمی، جنگ و تشنج آفرینی ریخته می شود.

روزنامه شرق در شماره روز دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۸۳ (۲۳ اوت ۲۰۰۴)، در گزارش اصلی خود ضمن برشمردن بحران هسته ای ایران و روابط ایران و آژانس بین المللی انرژی اتمی، نوشت: «در نیروگاه بوشهر وضع به گونه ای دیگر است و همه تلاش می کنند تا نشان دهند که اوضاع عادی است و نیروگاه در موعد مقرر افتتاح خواهد شد... فقط شش فصل از گزارش راه اندازی که باید کامل و به آژانس فرستاده شود آماده شده و هنوز گزارش به آژانس نرفته است در حالیکه این آژانس بین المللی انرژی اتمی است که باید در مورد راه اندازی نیروگاه بوشهر تصمیم گیری کند.»

روزنامه همشهری در همین روز از زبان معاون نیروگاه های

کشور از هزینه ساخت نیروگاه بوشهر خبر داده که: «در مقایسه با برآورد اولیه به دو برابر رسیده و در حالی که پرونده فعالیت هسته ای ایران هنوز بسته نشده، بیش از یک میلیارد دلار سرمایه در این میان سرگردان مانده است.»

با وجود چنین هزینه های گزاف و در کشوری که دارای دومین منابع گاز طبیعی می باشد و در حالی که با هزینه هایی که تاکنون برای پروژه اتمی صورت گرفته امکان ساخت بیش از ۱۰ نیروگاه سیکل ترکیبی با حدود ۱۵ هزار مگا وات برق وجود می داشت، هیچ دلیل و برهان منطقی نمی تواند ثابت کند که چنین پروژه هایی مزیت اقتصادی دارد.

پنهانکاری مداوم و با تمام قوا و عدم شفاف سازی برنامه هسته ای از جانب رژیم، جای شک و شبه ای باقی نمی گذارد که هدف اصلی مستبدان حاکم بر ایران دستیابی به سلاح اتمی است. از آنجا که به علت اختناق و سرکوب حاکم بر ایران، مردم و متخصصان نمی توانند آزادانه به اظهار نظر بپردازند، زنان و مردان ایرانی که مدافع یک برنامه توسعه پایدار و دموکراتیک می باشند، می توانند بر اساس مسوولیتشان در قبال مردم ایران به جهانیان اعلام کنند که:

زنان و مردان آگاه و ترقیخواه ایرانی بنا بر آرمانهای انسانی خود و به علت این که با جنگ و دخالتگری نظامی قدرتهای بزرگ مخالفند و خواهان جهانی خالی از سلاحهای کشتار جمعی به ویژه در منطقه خاورمیانه هستند، در گام اول و بنا به وظیفه خود در برابر مردم ایران، خواستار اقدام عاجل جامعه بین المللی در قبال برنامه های اتمی رژیم حاکم بر ایران می باشند. دفاع از توسعه پایدار، دموکراتیک و صلح طلبانه برای مردم ایران، با تلاش برای انحلال همه ی پروژه های رژیم استبدادی مذهبی حاکم بر ایران در زمینه سلاح و انرژی اتمی مترادف است.

پایان چانه زدنی اتمی

لیلا جدیدی

برای اولین بار تمامی ۳۵ عضو شورای حکام سازمان بین المللی انرژی اتمی، قطعنامه ای را به امضا رساندند که طی آن از جمهوری اسلامی می خواهند به تمامی فعالیتهای مربوط به غنی سازی اورانیوم و برنامه های در ارتباط با آن، خاتمه دهد.

روز گذشته، کشورهای غیر متعهد با پیش نویس قطعنامه ی پیشنهادی اروپا، بویژه با دو بند آن که برای جمهوری اسلامی ضرب الاجل تعیین کرده بود، مخالفت کرده بودند. آنها تهدید کردند که یک قطعنامه مستقل ارایه خواهند داد و هر دو را به رای می گذارند. با این حال، قطعنامه اروپا بدون رای گیری مجدد، امروز شنبه ۱۸ سپتامبر، مورد تأیید همگی اعضا شورای حکام قرار گرفت.

چند ساعت پیش از اعلام نتیجه نهایی و بعد از چرخش موضع پاکستان، از کشورهای غیر متعهد به سوی آمریکا و اروپا، خبرگزاری ایسنا اعلام کرد که آمریکا و سه کشور اروپایی، کشورهای غیر متعهد را تهدید کرده اند که اگر بر موضع خود پافشاری کنند، بودجه آنان برای همکاریهای فنی با آژانس راقطع خواهند کرد.

اینکه چگونه خبرگزاری ایسنا توانسته است از این تهدید - که اگر هم وجود داشته باشد در برابر خبرنگاران صورت نمی گیرد - مطلع شود بحثی جداگانه است اما مگر نه این است که جمهوری اسلامی تمامی حمایتهایی را که از جانب این کشورها و به ویژه اروپا و روسیه و چین می گیرد، با ساج دادن و امضا قراردادهایی که ثروت مردم ایران را به باد می دهد، بدست می آورد؟

جمهوری اسلامی پس از عقب نشینیها و امتیاز دادن به اروپا توانست با باج دهی آنان را از پیگیری اهدافشان منصرف کند و در پاسخ هر عقب نشینی، یک پس گردنی محکمتر دریافت کرد. سرانجام وزنه ی باجهای کلان رژیم، سبکتر از معادلات بین المللی آزاب درآمد.

کاولین پاول در این باره گفته بود: «ما نمی توانیم با این روش، یعنی برگزاری نشست هر دو ماه یکبار آنها بدون نتیجه ادامه دهیم.»

واکنش رژیم به نتایج نهایی، تنها در محدوده وقاحت معمول آخوندی، خود را به بی اعتنائی زدن و واکنش غیر مسوولانه همیشگی با کلیشه "این شکستی برای آمریکا بود" به گردش درآمده است. اگر چه این قطعنامه از جمهوری اسلامی خواسته است که باید به تمامی خواسته های آژانس پیرامون نزدیک به دو دهه فعالیت اتمی خود که شامل دسترسی کامل به همه قرارگاهها، اطلاعات و کارکنانی که می توانند پاسخی برای سوالات مطرح شده داشته باشند، تن دهد، موسویان، سخنگوی هیات اعزامی حکومت گفت، اعتمادسازی برای ایران الزامی نیست. او افزود، ایران طی روزهای آینده درباره دامنه تعلیق تصمیم گیری خواهد کرد.

آنچه مسلم است، رژیم آخوندی در پاسخ گویی به جامعه بین المللی وارد مرحله جدیدی گشته است و از این پس شانس چانه زنی و وقت گذارانی را از دست داده است. حاکمان رژیم جمهوری اسلامی چاره ای جز تن دادن به این قطعنامه ندارند. باقی حرافیهایشان باد هواست!

۲۹ شهریور ۱۳۸۳